

باسمه تعالی
پاسخ خود آزمایی های زبان فارسی ()

پاسخ خود آزمایی زبان فارسی ()

خود آزمایی درس اول (زبان و گفتار) صفحه

– با توجه به متن درس می توان گفت که توانش زبانی ثابت و غیر قابل تغییر است و هیچ گونه خطا و اشتباهی در آن اتفاق نمی افتد . بلکه خطا و اشتباه در گفتار رخ می دهد . قواعد شطرنج نیز مثل توانش زبانی ثابت و غیر قابل تغییر است اما خود بازی شطرنج مانند گفتار است که امکان خطا و اشتباه در آن بسیار است .

– افرادی که از قدرت گفتار محروم اند وقتی که می خواهند از زبان استفاده کنند ، به جای کمک گرفتن از نمود آوایی زبان (گفتار) از نمود حرکتی استفاده می کنند یا رفتارهای غیر زبانی از خود نشان می دهند . یا ارتباط افراد کرولال از طریق نمود حرکتی است و با این روش مقصود همدیگر را درک می کنند .

– الف) تمایز زبان و گفتار به ما کمک می کند تا بدانیم که خطا و اشتباه فقط در گفتار رخ می دهد ولی رفع و اصلاح آن به وسیله زبان صورت می گیرد .

ب) افراد کر و لال نیز از توانایی ذهنی زبان برخوردارند و به هنگام استفاده از آن به جای نمود آوایی یا گفتار از نمود حرکتی کمک می گیرند .

ج) براساس این تمایز نشان می دهیم که چرا گوناگونی لهجه ای و گویشی به یگانگی زبان آسیبی وارد نمی رسانند . علت این امر آن است که گوناگونی یاد شده به گفتار مربوط است نه به زبان .

– زیرا این کلمات فارسی هستند و به کار بردن کلمات فارسی به همراه « یت » مصدر ساز عربی، صحیح نیست . به جای آن می توان آشنایی (آشنا بودن یا شدن) ، خوبی (خوب بودن) ، ایرانی (ایرانی بودن) به کار برد .

خود آزمایی درس دوم (جمله) صفحه

– انس بن مالک می گوید

نهاد گزاره

انس بن مالک جمله ی بعد می گوید

نهاد جدا نهاد پیوسته

نهاد جدا (انس بن مالک) ونهاد پیوسته(د) مطابقت دارند .

تذکر : فعل « می گفت » جزئی است ولی اگر به معنی « روایت کردن » باشد مثل جمله بالا « جزئی مفعولی » مخاطب اصلی ندارد که نیاز به متمم داشته باشد . « می گوید جمله ی » «

روزی رسول اکرم (ص) به خانه ی مادرش آمدند

نهاد گزاره

رسول اکرم (ص) آمدند

نهاد جدا نهاد پیوسته

در این جمله ، نهاد پیوسته و جدا مطابقت ندارند و علت آن احترام به پیامبر(ص) است . (جزئی)

برادر کوچکم ، ابو عمیر، سخت دل تنگ و اندوهگین بود .

نهاد گزاره

برادر کوچکم ، ابو عمیر سخت دل تنگ و اندوهگین بود φ

نهاد جدا بدل نهاد پیوسته

نهاد جدا(برادر کوچکم) ونهاد پیوسته(φ) مطابقت دارند . (سه جزئی مسندی)

حضرت رسول (ص) علت دل تنگی برادرش را از ما پرسیدند .

نهاد گزاره

حضرت رسول (ص) علت از ما پرسیدند .

دل تنگی برادرش را

نهاد جدا نهاد پیوسته

نهاد جدا و پیوسته مطابقت ندارند ، علت آن احترام به پیامبر(ص) است. (چهار جزئی مفعولی متممی)
.....: ابو عمیر پرنده ی زیبایی داشت که

نهاد گزاره نهاد گزاره

مادر جمله بعد — گفت ϕ ابو عمیر پرنده ی زیبایی داشت ϕ

نهاد جدا نهاد پیوسته نهاد جدا نهاد پیوسته

نهاد جدا و پیوسته مطابقت دارند . (چهار جزئی مفعولی متممی) نهاد جدا و پیوسته مطابقت دارند . (سه جزئی مفعولی)
غالباً با آن سرگرم می شد . اینک آن پرنده مرده است .

نهاد گزاره نهاد گزاره

ϕ

— سرگرم می شد ϕ نهاد جدا نهاد پیوسته

نهاد جدا نهاد پیوسته نهاد جدا و پیوسته مطابقت دارند . (دو جزئی)

نهاد جدا (ابو عمیر محذوف) و نهاد پیوسته مطابقت دارند . (سه جزئی مسندی)
رسول اکرم (ص) اندوهگین گردیدند .

نهاد گزاره

رسول اکرم (ص) اندوهگین گردیدند .

نهاد جدا نهاد پیوسته

نهاد جدا و نهاد پیوسته مطابقت ندارند . علت آن احترام به پیامبر(ص) است . (سه جزئی مسندی)

— علی و مسعود با هم به دبیرستان رفتند . (نهاد: جمع شناسه: جمع) نهاد با شناسه مطابقت دارد .

- بسیاری از انسان ها از نظر رنگ و نژاد و زبان با هم اختلاف دارند اما از نظر اصل انسان بودن با هم مشترک هستند .
نهاد: جمع شناسه: جمع) نهاد با شناسه مطابقت دارد .

- در قرن چهارم هجری ، ملت ایران با تکیه بر زبان و فرهنگ خود درخت تازه اما اصیلی را پروردند . (نهاد، ملت: اسم جمع
است شناسه می تواند مفرد یا جمع بیاید .) که در آب و هوای اسلام پرورش یافته بود . (نهاد: درخت ، مفرد است ، شناسه هم
نهاد با شناسه مطابقت دارد .

- ملتی که طالب استقلال سیاسی باشد/ باشند به زبان مادری خود سخن می گوید/ می گویند . (نهاد: ملت ، اسم جمع است در
این حالت شناسه می تواند مفرد یا جمع باشد)

- ما و فردوسی با وجود هزار سال فاصله ی زمانی با زبان پیوندهای مشترک داریم . (نهاد: جمع شناسه: جمع)
شناسه: با نهاد مطابقت دارد .

- با دیگران چنان رفتار کن (فعل امر، دوم شخص مفرد شناسه ϕ است (که دوست داری دیگران با تو رفتار کنند . (نهاد: جمع
شناسه: جمع) نهاد با شناسه مط

- کتاب ها از دستم رها شد و بر زمین افتاد . (مطابقت ندارد زیرا نهاد غیر جاندار است و شناسه می تواند هم مفرد و هم جمع
)

- امیر با دوستش جمعه ها به کوه نوردی می رود . (نهاد : مفرد شناسه : مفرد) شناسه با نهاد مطابقت دارد .

- زبان یک توانایی ذهنی است در حالی که گفتار نمود آوایی این توانایی ذهنی می باشد . هر گونه خطا و اشتباه در گفتار رخ
می دهد و به وسیله ی زبان اصلاح و رفع می گردد. همه ی انسان ها حتی افراد کر و لال دارای این توانایی ذهنی (زبان) هستند
اما در گفتار با هم فرق دارند، زیرا افراد لال به جای استفاده از نمود آوایی، از نمود حرکتی کمک می گیرند. قواعد زبان ثابت
است و تغییر نمی کند ولی گفتار متغیر است.

خود آزمایی درس سوم (ویرایش) صفحه

— تیم ملی ایران به رهبری مربی خوب خود با اجرای شش بازی پی در پی ، آن را به سود خود به پایان برد . تیم مقابل که
روحیه ی خوبی نداشت ، بر خلاف تصور تماشاگران شکست خورد ، مربیان این تیم قبلاً نشست هایی برای ارزیابی تیم های

- غلام محمد خان طرزی افغانی ، دو قطعه شعر گفته بود : یکی در مدح امیر عبدالرحمان خان ، دیکتاتور خشن و تندخوی افغان
و دیگری در مدح رقیب او . او هر دو قطعه را در جیب خود گذاشته بود . روزی که قرار بود شعر را در حضور او بخواند ،
دست در جیب کرد و قصیده را بیرون آورد اما از بخت بدش قصیده ی مربوط به رقیب او را بیرون آورد . خواست بخواند که

به تته پته افتاد . امیر متوجه این نکته شد . او را به پیش خود خواند و کاغذ را از او گرفت . چون از ماجرا مطلع شد فرمان های لازم را صادر کرد . طبق دستور او دو دیوار کوتاه به موازات هم ساختند و شاعر بینوا را میان دو دیوار گذاشتند و گروهی مأمور شدند ، تا او را ببازارند .

- چگونه می توان علیه گذشته ی افرادی که نمی شناسیم ، عملیات قانونی انجام دهیم و موضوع را به طور دقیق ارزیابی کنیم ؟ این کار هم مستلزم شناخت و هم مستلزم صرف وقت فراوان است . در غیر این صورت تجسس در کار دیگران جایز نیست . - رفتن به نمایشگاه و برگشت از آن ، مدت زیادی طول نکشید ولی در همان زمان کم ، از غرفه های زیادی دیدار کردم که بسیار جالب توجه بود . یک دوره شاهنامه خریدم زیرا این اثر ، شاهنامه ی ملت ایران و سند ملیت ماست که باید آن را حفظ کرد و خواند و از پندهای آن عبرت گرفت . هم چنین دیوان پروین اعتصامی شاعر معاصر ایران را نیز خریدم . سپس در غرفه های دیگر گشت و گذاری انجام دادم و در پایان از نمایشگاه خط و خوشنویسی که در کنار نمایشگاه بر پا شده بود باز دید کردم و آثار نفیس و هنرمندانه را که چشم نواز بودند ، ملاحظه کردم واز دیدن آن ها لذت بردم - رستم در شاهنامه ، پهلوانی قوی توصیف شده است / رستم در شاهنامه ، پهلوان قوی و قدرتمندی توصیف شده است . - او دلایلی کافی برای سخن خود ارائه داد . / او دلایل کافی و کاملی برای سخن خود ارائه داد . - در کنار آن خط ، خطی موازی بکشید . / در کنار آن خط ، خط موازی و بلندی بکشید .

خود آزمایی درس چهارم (جمله و اجزای آن) صفحه

- الف (زندگی هدف دار آرزوی آزاد مردان است . جمله

(سه جزئی مسندی) نهاد گزاره

گروه اسمی مسند فعل

گروه اسمی گروه فعلی

زندگی هدف دار آرزوی آزاد مردان است

ب (رستم چهره ای محبوب و ملی دارد . (سه جزئی با مفعول)

نهاد گزاره

گروه اسمی مفعول فعل

اسمی گروه فعلی

رستم چهره ای محبوب و ملی دارد

پ (سهراب خود را به او می شناساند . (چهار جزئی با مفعول و متمم)

نهاد گزاره

گروه اسمی مفعول متمم فعل

گروه اسمی گروه اسمی گروه فعلی

سهراب خود را به او می شناساند

(مطالب اضافی در این درس نمی گنجد . (سه جزئی ب)

نهاد گزاره

گروه اسمی متمم فعل

گروه اسمی گروه فعلی

مطالب اضافی در این درس نمی گنجد

ث (زبان شناسان زبان را یک نظام می دانند . (چهار جزئی با مفعول و مسند)

نهاد گزاره

گروه اسمی گروه اسمی گروه اسمی گروه فعلی

زبان شناسان زبان را یک نظام می دانند

- الف (زندگی هدف دار در سایه ی آزادی و عدالت ، آرزوی آزاد مردان است .

ب (رستم در میان ایرانیان ، چهره ای محبوب و ملی دارد .

پ (سهراب از روی صداقت و سادگی ، خود را به او می شناساند .

ت (مطالب اضافی برای آموزش بیش تر ، در این درس نمی گنجد .

ث (زبان شناسان ، از ابتدای تاریخ زبان شناسی علمی ، زبان را یک نظام می دانند .

خود آزمایی درس پنجم (انواع نوشته) صفحه

-

زبان قالب موضوع بیان مخاطب

نوشته اول ادبی زندگی نامه اجتماعی جدی عام

نوشته دوم مطبوعاتی / علمی گزارش / مقاله علمی فرهنگی جدی عام

نوشته سوم اداری نامه فرهنگی جدی خاص

— هر دانش آموز به تناسب ذوق و استعداد و توانایی خود از زبان کودکانه استفاده کند .

یکی بود یکی نبود. روزی روزگاری دو نفر با هم مسافرت می کردند . یکی از آن ها به نام خیر آدم خوب و مهربانی بود . او دو تکه جواهر گران قیمت همراه خود داشت اما نفر دوم آدم دزد و بدجنسی بود . نام او شر بود . او می دانست خیر دوتکه جواهر گران قیمت همراه خود دارد، به خاطر همین دنبال فرصتی می گشت تا این گوهرهای ارزشمند را از چنگ او خارج کند . خیر و شر در بیابان گرم و سوزانی به سفر خود ادامه می دادند . خیر که خیلی تشنه می شد ، در طول سفر مرتب آبی که همراه خود داشت می خورد تا این که تمام شد . بعد از مسافتی که در صحرا به جلو رفتند ، خیر تشنه شد . هر چه تحمل کرد فایده نبخشید . به ناچار از شر خواست به او آب بدهد . شر که دنبال فرصت می گشت ابتدا از دادن آب خود داری کرد . خیر به او گفت : دو گوهر گران قیمت خود رایبه تو می دهم اما او قبول نکرد ... (دنباله ی داستان به عهده دانش آموز) .

— می گذرد/ می گذرند ، دارد / دارند ، برمی خیزم ، می دهیم ، برمی گردد / برمی گردند . (فعل می تواند هم مفرد و هم جمع باشد؛ زیرا نهاد غیر جاندار است) باز می ایستد ، شود / شوند (فعل می تواند هم مفرد و هم جمع باشد زیرا نهاد غیر جاندار است) نمی آید یا نمی آیند

(چون نهاد غیر جاندار است فعل می تواند هم مفرد و هم جمع باشد) بیفشانیم ، درو کنیم .

— فعالیت دانش آموزی است

خود آزمایی درس ششم (خط و نوشتار) صفحه

— زیرا در گذشته شکل گفتاری و نوشتاری این واژه ها مثل هم بوده است و اما به مرور زمان شکل گفتاری آن ها از شکل نوشتاری فاصله گرفته و تغییر یافته است و صورت مکتوب باقی مانده است و امروز به همان شکل گفتاری گذشته نوشته می شود بدون آن که تغییری در آن داده شود. همچنین سهولت تلفظ باعث تغییر در نمود آوایی شده ولی نوشتار به حال خود باقی

خواهر خوردن خواستار خوابیدن

گفتار ی خاهر (xahar) (xordan) (xast-ar) خابیدن (xabidan)

نوشتاری خواهر (xowahar) (xowardan) (xowastar) خوابیدن (xowabidan)

— در زبان هایی مثل انگلیسی و عربی نیز کلماتی وجود دارد که بین صورت گفتاری و نوشتاری آن ها

:

خورشید= (اشمس) الشمس کارد (نایف) kinfe () knowledge

صبح = (ولفجر) والفجر این (دیس) this جهان (ورد) World

ستارگان = (کنجوم) کالنجوم سگ (داگ) Dog هشت (ایت) Eight

() = () lessen

(—) را در خانه و پیش افراد خانواده یاد می گیریم و برای گفتن زحمتی نمی کشیم اما خط و نوشتار را در مدرسه و نزد معلم می آموزیم . و برای نوشتن ، ناگزیریم زحمت زیادی بکشیم .

ب (زبان و گفتار ریشه در ذات و طبیعت انسان دارد حال آن که خط و نوشتار ذاتی و طبیعی انسان نیست و ریشه در اجتماع و فرهنگ او دارد .

پ (انسان همواره از نعمت زبان و گفتار بر خوردار بوده است . اما خط و نوشتار پدیده ای بسیار تازه است . ت) گفتار آنی است و ناپایدار . یعنی در یک زمان گفته می شود و آثارش از بین می رود اما نوشتار پایدار است .

(خط و نوشتار به طور مستقیم و به واسطه ی گفتار با زبان پیوند می خورد . خط و نوشتار هم مانند گفتار در معرض خطا و اشتباه و تنوع و گوناگونی است .

خود آزمایی های درس هشتم (گروه فعلی و ویژگی های آن) صفحه

-

فعل زمان کاربرد وجه فعل

به سر می برد ماضی استمراری برای بیان کار درگذشته به طور پیوسته خبری
 می آمد ماضی استمراری برای بیان کار درگذشته به طور پیوسته خبری
 می خواند ماضی استمراری برای بیان کار درگذشته به طور پیوسته خبری
 گفت ماضی ساده برای بیان کار در گذشته به طور کامل خبری
 پیدا خواهم کرد آینده برای بیان کار در آینده خبری
 خواهم بست آینده برای بیان کار در آینده خبری
 دید ماضی ساده برای بیان کار درگذشته به طور کامل خبری
 می گفتند ماضی استمراری برای بیان کار درگذشته به طور پیوسته خبری
 شده است ماضی نقلی برای بیان کاری که درگذشته انجام گرفته و اثر و نتیجه آن مورد نظر است . خبری

– خط و نوشتار خاستگاه فرهنگی و اجتماعی دارد و ساخته خود انسان است و انسان برای یادگیری آن باید زحمت بکشد و در مدرسه و کلاس و نزد معلم ، آن را یاد بگیرد زیرا خط و نوشتار بنابه ضرورت های اجتماعی و فرهنگی اختراع شده است و بر زبان و گفتار افزوده گردیده است . بنابراین خط و نوشتار به طور مستقیم به واسطه ی گفتار با زبان پیوند می خورد به این معنی که ما نخست زبان را به صورت گفتار در می آوریم و آن گاه گفتار را به کمک خط به شکل نوشتار می نویسیم . خط و نوشتار پدیده ای تازه است و به همین دلیل نمی تواند بخش اصلی گفتار به شمار رود . از آن جا که نوشتار نمود دیداری زبان است در این جا نیز مثل گفتار هر اشتباهی که رخ دهد مربوط به نوشتار است نه زبان . از سوی دیگر انسان برای آن که گفتار را تثبیت کند دست به ابداع و اختراع خط زده است با توجه به این که همیشه در طول زمان بین شکل گفتاری زبان و شکل نوشتاری آن فاصله ایجاد می شود افراد ناگزیرند که نوشتار و خط را در مدرسه و نزد معلم یاد بگیرند .

– از دوستم نامه ای آمد .
 – چرا غایب شده است ؟
 – با تاکسی به خانه رفتم .
 – چرا به مدرسه نیامدی ؟
 خودآزمایی درس نهم (طرح نوشته ، مواد لازم نوشته) صفحه
 – فعالیت دانش آموزی است .

– والذین اتبعوهم باحسان رضی الله عنهم ورضوا عنه . «سوره ی توبه ، آیه ی
 و کسانی که از اطاعت خداونیکی پیروی کردند خداوند از آن ها خشنود است و آن ها از خدا راضی می گردند .
 – ان الله یامر بالعدل والاحسان وایتاء ذی القربی . «سوره ی نحل ، آیه ی
 همانا خداوند فرمان به عدل و احسان می دهد و به بذل و عطای خویشاوندان امر می کند .
 – هل جزاء الاحسان الا احسان . «سوره ی الرحمن ، آیه ی
 آیا پاداش نیکویی و احسان جز نیکویی و احسان است ؟
 – لا تعبدون الا الله و بالوالدین احسانا . «وره بقره ، آیه ی
 به جز خدای را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید .
 – واعبدوا الله و لاتشركوا به شیئا و بالوالدین احسانا . «سوره ی نسا ، آیه
 خدای یکتا را بپرستید و هیچ چیزی را شریک وی نگیرید و نسبت به پدر و مادر نیکی کنید .
 امثال و حکم صفحه ی

سان همه خلق را نوازد آزادان را چو بنده سازد
 الانسان عبید الاحسان .
 بدی رابدی سهل باشد جزا اگر مردی احسن الی من اسما «سعدی
 عدو را به جای خسک زر بریز که بخشش کند کند دندان تیز «سعدی
 نه این ریسمان می برد با منش که احسان کمندی است درگردنش
 – اعتلا و ارتقای مقام آن شخصیت علمی دور از انتظار نبود .
 – شکل کشیده ی « » « » « » مخصوص خط تحریری است و همه جا نمی توان آن را به کار برد .

:
 :
 گروه سوم : س،ش گروه چهارم : ه،ی
 مثل : راسخ ، سن ، سی ، سهام و...
 – فعالیت دانش آموزی است .

خود آزمایی درس دهم (ویژگی های فعل) صفحه

- نامه خوانده می شود / نامه فرستاده می شود / نامه برده می شود / نامه دیده می شود / نامه آورده می شود .

فعل معلوم مجهول

می نویسد علی نامه را می نویسد نامه نوشته می شد

بنویسد علی نامه را بنویسد نامه نوشته شود

دارد می نویسد علی نامه را دارد می نویسد نامه دارد نوشته می شود

خواهد نوشت علی نامه را خواهد نوشت نامه نوشته خواهد شد

نوشته است علی نامه را نوشته است نامه نوشته شده است

نوشته بود علی نامه را نوشته بود نامه نوشته شد

داشت می نوشت علی نامه را داشت می نوشت نامه داشت نوشته می شد

می نوشت علی نامه را می نوشت نامه نوشته می شد

نوشته باشد علی نامه را نوشته باشد نامه نوشته شده باشد

- جمله نمونه : فردا نامه نوشته خواهد شد .

قید جمله مجهول

یک ساعت بعد یک ساعت بعد ، نامه نوشته خواهد شد . (نوشته می شود)

همین حالا همین حالا نامه نوشته می شود.

تا چهار پنج روز دیگر تا چهار پنج روز دیگر نامه نوشته خواهد شد. (نوشته می شود)

پارسال پارسال نامه نوشته شد . (نوشته شده بود)

پیش از آمدن شما پیش از آمدن شما نامه نوشته شده بود . (نوشته شد ، نوشته شده است .)

فردا صبح فردا صبح نامه نوشته خواهد شد . (نوشته می شود)

هفته آینده هفته آینده نامه نوشته خواهد شد. (می شود)

قبلا قبلا نامه نوشته شده است . (شده بود،نوشته شد)

تا چند دقیقه ی دیگر تا چند دقیقه ی دیگر نامه نوشته خواهد شد. (می شود)

بعدا بعدا نامه نوشته خواهد شد. (می شود)

دیروز دیروز نامه نوشته شد. (شده است ، شده بود)

- شاه مردم بی گناه را گروه گروه به گلوله می بست .

- امام خمینی حکومت ستم شاهی را بر انداخت .

- آیا ایرانیان باز هم شاهکارهایی هم چون شاهنامه ی فردوسی خواهند سرود ؟

- جوانان ایران در سایه ی تلاش و از خود گذشتگی و عشق به هم نوع ، پرچم علم و فضایل اخلاقی را در سراسر دنیا خواهند

- غلامحسین یوسفی ، کتاب چشمه ی روشن را در نقد و تحلیل نمونه هایی از شعر فارسی نوشت .

- اعتیاد بسیاری از استعدادها را کشته است .

خود آزمایی درس یازدهم (عنوان ، شروع و پایان نوشته) صفحه

- پاسخ خودآزمایی های به عهده ی خود دانش آموزان است .

- حافظ نامه (بهاء الدین خرمشاهی) / پله پله تا ملاقات خدا ، با کاروان حله ، سر نی و بحر درکوزه (عبدالحسین زرین

ک) /

(سیمین دانشور) / مقاله یاد یاران (در مجله ی رشد ادب فارسی به قلم دکتر ذوالفقاری) / دیداری با اهل قلم و چشمه ی

روشن (دکتر غلامحسین یوسفی) / از پاریز تا پاریس (دکتر باستانی پاریزی)

-

فعل ماضی التزامی ماضی مستمر مضارع مستمر

بگویم گفته باشم داشتم می گفتم دارم می گویم

رفته ای رفته باشی داشتی می رفتی داری می روی

بیندیش اندیشیده باشی داشتی می اندیشیدی داری می اندیشی

خواهم بست بسته باشم داشتم می بستم دارم می بندم

دید دیده باشد داشت می دید دارد می ببند
گرفت گرفته باشد داشت می گرفت دارد می گیرد

— چگونه پیروز شدن خود را به تو خواهم گفت .
- انبیای الهی در برابر ظالمان قیام کردند و پیام حق را به گوش آن ها رسانیدند .

خود آزمایی درس دوازدهم (ساختمان فعل) صفحه

— (می خواست : ساده) ، (برآورد : پیشوندی) ، (نمی توانست : ساده) ، (می کوشید :)
(:) ، (کند : ساده) ، (کرد : فعل ساده) ، (در این جمله واژه ی آگاه مسندو جمله چهار جزئی است) ،
(:)
(شده ای : ساده) ، (داری : ساده) (:) ، (گرفته بود : ساده) (:) (:)
(:) (:)

— معلمان ، جوانان را از زیان های خاتمان سوز اعتیاد آگاه می کنند . (جزئی مفعولی و مسندی)

- دانشمندان چراغ دانش را همیشه فروزان می کنند . (جزئی مفعولی و مسندی)

- مهتاب ، همه جا را روشن کرد . (جزئی مفعولی مسندی)

- مادر غذا را زود حاضر کرد . (جزئی مفعولی مسندی)

— مادر در تربیت این کودک رنج برد . (ساده) رنجی برد ، رنج بسیار برد

- حمید برای آماده کردن این مقاله زحمت کشید . (ساده) زحمت زیادی کشید ، زحمت ها کشید

- او گذشته ها را فراموش کرد . (مرکب)

- در کلاس باز شده است . (ساده)

- کودک از پشت پنجره فریاد می زند . (ساده) فریاد بلند می زند ، فریاد ها می زند ، فریادی می زند

- احمد پیش آمد (ساده) پیش تر آمد (جزئی)

- او به سوالات جواب داد . (ساده) جوابی داد ، جواب ها داد

- معتاد با این عادت زشت به خود ستم می کند . (ساده) ستم ها می کند ، ستمی می کند .

— دلیلش این است که یکی از دو کلمه ای که همراه هستند ، نداعی کننده ی مفهوم کلمه ی دیگری است و نیازی به طرح

هر دو کلمه با هم نیست مگر آن که بین آن ها « » بیاید .

سیر گردش روزگار: کلمه ی «سیر» خود به معنی « » .

روزنامه ی روزانه : «روزنامه» مفهوم روز را در بردارد و نیازی به کلمه «روزانه» .

گردن بند گردن : وقتی می گوییم « » یعنی آن چه که به گردن بسته می شود و کلمه « »

زاید است .

سایر شهرهای دیگر : سایر به معنی دیگر است .

دست بند دست : دست بند متعلق به دست است و ذکر کلمه ی « »

من بعد از این : « » یعنی « » پس به کاربردن « من بعد از این »

مدخل ورودی : « » به معنی محل ورود است ، پس معنی آن « محل ورودی ورودی ! » می شود که حشو است .

قند شیرین : « شیرین » برای « »

درخت تاک انگور : حشو است زیرا « تاک » به معنی درخت انگور است .

اوج قله ی کوه : اوج به معنی بلندترین است و « قله » هم بلندترین قسمت کوه است . پس « اوج قله ی کوه »

تخم مرغ کیوتر : چون کیوتر ، نوعی پرنده (مرغ) است، پس «تخم مرغ کیوتر»

در سن بیست سالگی : « سالگی » خود مفهوم « » را در بردارد . بنابراین در سن بیست سالگی حشو است .

پس بنابراین : « » « بنابراین » هم معنی هستند .

پس : « » به معنی « » است پس واژه ی « »

پارسال گذشته : « » به معنی گذشته است « گذشته »

ل عام الفیل : « » در عربی به معنی « » است . پس ذکر « »

سوال پرسیدن : « پرسیدن » فقط برای سوال است . پس کلمه ی سوال حشو است .

شب لیله القدر : « لیله » به معنی شب است و « »

بد رکامل : « » به معنی قرص کامل ماه است . پس « کامل »

از قبل پیش خرید کردن : « پیش خرید کردن » یعنی چیزی که آن را از قبل می خرند . پس « »

پس : « » به معنی شروع کردن است پس حشو است .

تخته ی وایت برد: « به معنی تخته است و کلمه ی تخته ی زائد است .

- صعود به بالا ، سقوط به پایین ، کمدی خنده آور ، محاصره از هر سو ، صداع سر ، دوباره بازخوانی ، روغن چرب ، استمداد طلبیدن ، یخ خنک ، رود ارون رود ، شب ليله القدر ، نیم رخ صورت ، ریسک خطر ناک ، الی تاهفت شب ، لذا به این دلیل ، در سال های نخستین صدر اسلام ، مفید فایده ،

خود آزمایی درس سیزدهم (باید ها و نیاید های املائی) صفحه

- تشدید میانی کاملاً محسوس است . گذاشتن تشدید در کلماتی که تشدید میانی دارند ، لازم است . مانند ؛ آره ، نقاش ، بٹا . همچنین گذاشتن تشدید برای کلماتی که « تشدید پایانی » دارند ، لازم است ؛ به شرط این که پس از حرف مشدد یک مصوت () . () . () . () .

باطل ، سد راه ، خط زیبا

- چون ممکن است با حرف همزه اشتباه گرفته شود . علاوه بر آن باعث سهولت در گفتار و نوشتار می شود .

- در خط عربی در همه حال باید نوشته شود ، اما در خط فارسی فقط در مواردی باید رعایت شود که نگذاشتن آن ابهام ایجاد می کند .

از طرف دیگر مد (~) در عربی برای ایجاد کشش وزیبایی آهنگ به کار رفته می شود و جنبه ی زیبا شناختی دارد یعنی اصولاً به حوزه ی قرانت مربوط می شود که بعد از مصوت بلند می آید در فارسی (~) خود یک واج است که تنها بر مصوت « » قرار می گیرد.

خود آزمایی درس چهاردهم (روش تحقیق) صفحه

خود آزمایی های ، فعالیت دانش آموزی اند .

فعل جمله معلوم جمله مجهول

خواهد گرفت بهزاد کتاب را خواهد گرفت . کتاب گرفته خواهد شد .

خریده بود بهزاد کتاب را خریده بود . کتاب خریده شده بود .

گرفته بود بهزاد کتاب را گرفته بود . کتاب گرفته شده بود .

گرفته است بهزاد کتاب را گرفته است . کتاب گرفته شده است .

می خرد بهزاد کتاب را می خرد . کتاب خریده می شود .

می دید بهزاد کتاب را می دید . کتاب دیده می شد .

- ویرایش : تا کنون متفکران ایرانی ابتکارات علمی فراوانی را انجام داده اند .

خود آزمایی درس پانزدهم (نظام آوایی زبان) صفحه

کلمه هجا تعداد هجا واج ها تعداد واج توضیحات

/ / / هجا / ا / ان - / اش /

/ / / هجا / ا / اس - / ام / ان / واج مطابق با تلفظ معیار

/ / / هجا / ا / اس / ام / ان / واج مطابق با تلفظ مذکور در فرهنگ لغت ها

/ / / هجا / ان - / اغ / از /

کاشانه / کا / شان / هجا / ک / اش / ان - / واج های پایان کلمه معادل - است

مهربان / مه / اربان / هجا / ام - / اه / ارب / ان / واج مطابق با تلفظ معیار

مهربان / مه / اربان / هجا / ام - / اه / ارب / ان / واج مطابق با تلفظ مذکور در فرهنگ لغت ها

یادگار / یا / دگار / هجا / ای / اد - / گ / ار / واج مطابق با تلفظ معیار

یادگار / یا / دگار / هجا / ای / اد / گ / ار / واج مطابق با تلفظ مذکور در فرهنگ لغت ها

« کلماتی مانند آسمان ، مهربان و یادگار دو تلفظی هستند . »

- مجموعه ی حرف های یک واجی شامل شش گروه است :

: حرف های ا (همزه ی آغاز) ، مانند اجرا ، عدل و ه (همزه ی میانی و پایانی) و (ع) با واج مشترک / ا /

(همزه) ، مانند رأی ، جمع

: حرف های « » با واج مشترک / ت / نبات ، نشاط

: حرف های « » با واج مشترک / س / مانند : ثنا ، سما ، صفا

: حرف های « ح و ه » با واج مشترک / ه / مانند : حامد ، هاشم

: حرف های « » با واج مشترک / ز / مانند : ذره ، زاهد ، ضرب ، ظاهر

حرف های « با واج مشترک / ق / یا / غ / مانند : غافل و قابل

- / ? / : « » « » / t / « » « »

- / h / : « » « » ه « - / z / : « » « » « » « »

- / s / : « » « » « » « » - / g / : « » « » « »

اگرچه هر یک از حرف های « » در گویش های محلی استان فارس واج جداگانه ای به حساب می آیند ولی در این جا زبان معیار مورد نظر است .

- با تغییر واج اول : آن

با تغییر واج سوم : نام ، ناز ، ناب ، ناف ، ناس ، نار

-

برادر ابراهیم - همان که از در وارد شد.

الف (آن کسی که از در وارد شد ، برادر ابراهیم و دانشجویست .

ب (آن دانشجو که از در وارد شد ، برادر ابراهیم است .

پ (ابراهیم ، همان کسی که از در وارد شد ، برادرش دانشجویست .

ت (برادر ابراهیم که دانشجویست ، از در وارد شد .

به دوست همسایه ام ، سلام کردم .

الف (به دوستی که همسایه ی من است ، سلام کردم .

ب (به کسی که دوست همسایه ی من است ، سلام کردم .

دوفعل معلوم ومجهول بنویسید

(و فعل معلوم ویک مجهول بنویسید .

ب (دو فعل معلوم و دو فعل مجهول بنویسید .

پ (دو فعل ، یکی معلوم و یکی مجهول بنویسید .

علی مثل خواهرش دانشجو نیست .

الف (علی و خواهرش دانشجو نیستند .

ب (خواهر علی دانشجو نیست اما علی دانشجو نیست .

پ (علی مثل خواهرش دانشجو نیست بلکه فقط ادای دانشجو بودن را در می آورد.

سعید با پدر ومادر معلمش برگشت

الف (پدر و مادر سعید معلم هستند ؛ او با آن ها برگشت .

ب (سعید با پدر و مادر معلم خودش برگشت .

پ (سعید با پدرش که معلم نیست و مادرش که معلم است برگشت .

خود آزمایی درس شانزدهم (گروه اسمی) صفحه

- از دیوان عظیم رودکی صد دفتر

هسته وابسته ی پسین وابسته پسین وابسته ی پیشین هسته

(صفت) (مضاف الیه) صفت شمارشی

یک شعر میالغه آمیز منسوب به رشیدی تعداد ابیات آن

وابسته ی پیشین هسته وابسته ی پسین وابسته ی پسین متتم صفت هسته وابسته ی پسین وابسته ی پسین

(صفت شمارشی) (صفت) (مضاف الیه) (مضاف الیه مضاف الیه)

یک میلیون و سیصد هزار بیت باقی اندک شک

وابسته ی پیشین هسته هسته هسته

(صفت شمارشی)

روز گار فرخی و عنصری ، بازمانده ی اشعار او

هسته وابسته پسین وابسته پسین هسته وابسته ی پسین وابسته ی پسین

(مضاف الیه) (معطوف (مضاف الیه) (مضاف الیه) (مضاف الیه مضاف الیه)

قابل ملاحظه از میان رفتن اشعار او ،

هسته وابسته ی پسین هسته وابسته ی پسین وابسته ی پسین

(مضاف الیه) (مضاف الیه) (مضاف الیه مضاف الیه)

این تصور ذهن اشعار او نابود

وابسته ی پسین هسته هسته هسته وابسته ی پسین هسته

(صفت اشاره) (مضاف الیه)

– دیوان : مفرد ، عام ، ساده ، شناس روزگار : مفرد ، عام ، مشتق ، شناس

:

:

تعداد : اسم جمع ، عام ، ساده ، شناس ذهن : مفرد ، عام ، ساده ، جنس
بیت: مفرد، عام ، ساده ، جنس اشعار : جمع مکسر ، عام ، ساده ، شناس
باقی : مفرد ، عام ، ساده ، جنس از میان رفتن : مفرد ، عام ، مشتق ، مرکب ، شنا
اندک : مفرد ، عام ، ساده ، جنس قابل : مفرد ، عام ، ساده ، جنس
شک : مفرد ، عام ، ساده ، جنس نابود : مفرد ، عام ، مشتق ، جنس

نمودار پیکانی

- شاهنامه فردوسی سند افتخار زبان فارسی / هیچ ابهامی /

آغاز عصر جدید ی یا آغاز عصر جدید ی

کشف حقیقت گردش زمین / سپیده دم این عصر/ طلب شیر فروش

همین اجبار معیشت/ کله ی هر زبان نفهم/ دو خط موازی

دل سوزی آن مکارترین سوادگران / هر یک ساعت / این چنین بزرگ مردی

نمودار درختی

شاهنامه فردوسی هیچ ابهامی طلب شیر فروش همین اجبار معیشت
هسته وابسته وابسته هسته وابسته وابسته هسته وابسته
شاهنامه ی فردوسی هیچ ابهامی طلب شیر فروش همین اجبار معیشت
هریک ساعت این چنین بزرگ مردی دو خط موازی
وابسته () وابسته () هسته وابسته هسته وابسته هسته وابسته
هر یک ساعت این چنین بزرگ مردی دو خط موازی

آغاز عصر جدید سپیده دم این عصر کله ی هر زبان نفهمی

هسته وابسته هسته وابسته هسته وابسته

آغاز عصر جدید سپیده دم این عصر کله هر زبان نفهمی

هسته وابسته وابسته هسته وابسته هسته

عصر جدید این عصر هر زبان نفهمی

کشف حقیقت گردش زمین دل سوزی آن مکارترین سوادگران

هسته وابسته هسته وابسته

کشف حقیقت گردش زمین دل سوزی آن مکارترین سوادگران

هسته وابسته وابسته () وابسته () هسته وابسته ()

حقیقت گردش زمین آن مکارترین سوادگران

هسته وابسته

گردش زمین

– ساده : فردوسی، ابهام ، کار ، کشف ، حقیقت ، زمین ، آغاز ، عصر ، گالیله ، طب ، اجبار ، معیشت ، کله ، خط ،

موازی، ساعت ، ایتالیا

مشتق : گردش(بن مضارع+ پسوند) ، ناگزیر(پیشوند +اسم) ، بی نهایت(پیشوند + اسم) ، سوداگر(اسم +پسوند) .

مرکب : شاهنامه(اسم +اسم) ، شیرفروش(اسم + بن مضارع) ، چندرغاز(اسم +اسم) ، بزرگ مرد(صفت +اسم)

مشتق مرکب : سپیده دم(صفت +ه + اسم) ، زبان نفهم(اسم + پیشوند+ اسم) ، دل سوزی (اسم + بن مضارع +یای مصدری

(

- تک هجایی : سر، پر، که ، به ، از ، ما ، کارد، کاشت ، کار

دوهجایی : شیراز ، دفتر، سرما ، گرما ، بزرگ، فرهنگ

سه هجایی : مربع ، پرداختن ، دیستان ، دل سوزی ، وام گزار
چند هجایی : دانش آموز ، دانشمندان ، اتومبیل ، شنبلیله
-معانی مختلف گزاردن:

انجام دادن : کارگزار، خدمتگزار شرح وتفسیر نمودن
ادا کردن : نمازگزار، شکر گزار ، حق گزار تعیین کردن
پرداختن : وام گزار، خراجگزار صرف کردن
تعبیر کردن : خواب گزار اظهار کردن
گفتن و بیان کردن : سخن گزار ، خبر گزار، پیغام گزار، پاسخ گزار ترجمه کردن
رسانیدن وتبلیغ کردن : پیغام گزار خرج کردن
طرح کردن
نقاشی کردن
به جا آوردن

خود آزمایی درس هفدهم (روش تحقیق ()) صفحه

- فعالیت دانش آموزی است .

- فعالیت دانش آموزی است .

- ضربت : یک بار زدن ، زدن ، زخم ، کوب

ضربه: یک بار زدن ، زدن ، ضربت ، زخم ، کوب ، آسیب ، هریک از حملات ورزشکار که به نتیجه ی مثبت برسد ، قرعه ،
طاووس ، کعبتین

مراقبت : مواظبت کردن ، نگاهیانی کردن

مراقبه : نگاهداشتن قلب از بدی ها ، یکی از مراحل سلوک است .

ارادت : توجه خاص مریدبه مرشد و سالک به پیر و امثال آن ، اخلاص و اظهار کوچکی در دوستی ، دوستی از روی اعتقاد
وایمان

اراده : میل ، قصد ، آهنگ ، خواستن ، مشیت ، قضا ، قدر ، تقدیر

- خیر، اسم خاص با جمع بستن به اسم عام تبدیل نمی شود ؛ زیرا «ها» در اینجا علامت جمع نیست بلکه نشانه ی
ونظایر آن ها مورد نظر است و در حالت جمع نیز بر اشخاص خاص دلالت می کند مثل، سعدی ها یعنی افرادی مانند سعدی .

خود آزمایی درس هجدهم (گروه اسمی ()) صفحه

- ترکیب های وصفی : دشتی پر از گاو ، آن جا، صحرایی پر از اسب ، این اسب ها ، گوسفند های بسیار ، این همه رمه
، غلامان بسیار ، این غلامان ، سرایی آراسته ، آن جا ، این سرا، این اندازه ، دستاری کهنه و پاره پاره و همه چیز .
ترکیب های اضافی : عمید نیشابور ، بندگان عمید ، درون شهر ، سرای عمید نیشابور و سرای که ؟

- دیوانه

سرای اول در خط ششم » « و سرای دوم در خط ششم » « یعنی سرای عمید است .

- این همه رمه / سرای عمید نیشابور/ گوسفند های بسیار / بندگان امیر

وابسته ی پیشین وابسته ی پیشین هسته وابسته ی پسین وابسته ی پسین وابسته ی پسین وابسته ی پسین هسته
وابسته ی پسین وابسته ی پسین

(صفت اشاره) (صفت مبهم) (مضاف الیه) (مضاف الیه) (علامت جمع) (صفت بیانی) (علامت جمع) (مضاف الیه)

فعل بن مضارع صفت مشتق بن ماضی صفت مشتق

گفته بودی گو گویا ، گوینده (فاعلی) گفت گفته (مفعولی)

گذشت گذر گذرا، گذرنده ، گذران (فاعلی) گذشت گذشته (مفعولی)

خواهید دید بین بینا ، بیننده (فاعلی) دید دیده (مفعولی)

نمی دانیم دان دانا ، داننده (فاعلی) دانست دانسته (مفعولی)

- هر یک از این واژه ها در زمان گذشته ، معنی دیگری غیر از آن چه امروزه معمول است ، داشته اند :
خدا= صاحب / شوخ = چرک / کثیف= انبوه / رعنا= خود پسند ، احمق / مزخرف = زراندود و بی ارزش
- ارزش گذاری ، خواب گزار ، شماره گذاری ، قانون گذاران ، کارگزاران .

- امام حسین و تسلیم ؟! / خسیس و بخشش ؟!

خود آزمایی درس نوزدهم (مرجع شناسی) صفحه

- فعالیت دانش آموزی است .

می بخشید بخش بخشید بخشیدن

— فعالیت دانش آموزی است .

- مادرش همیشه خندان بود . مادر ، خندان وارد خانه شد .

مسند قید

- او پس از شنیدن خبر ، وحشت زده شد . دانش آموز ، وحشت زده به مدرسه آمد .

مسند قید

- حال بیمار چه طور است ؟ او چه طور توانست خود را از دست دشمن نجات دهد ؟

مسند قید

- من از شنیدن سخنان استاد بهره مند وبه او مشتاق شدم .

- باید از زشتی ها پرهیز و با آن ها مبارزه کرد .

- من از دعوا کردن با مردم می پرهیزم . / من از اسراف در کارها می پرهیزم .

- آن ها پس از سال ها دوری به هم بر خوردند . / از شدت باران کاسته شد . / از گرمای هوا کاسته شد .

خود آزمایی درس بیست و چهارم (ساخت واژه) صفحه

- داشته باشند: (ه) اشتقاقی ، (- ند) تصریفی آفرینش : ساخت واژه ی اشتقاقی یکی ، عالی ترین : ساخت واژه ی تصریفی

انسانی : ساخت واژه ی اشتقاقی ادبیات : (ی) اشتقاقی ، (ات) تصریفی آزادی : اشتقاقی آگاهی : ساخت واژه ی اشتقاقی

جست و جوی : اشتقاقی خواهند داشت : تصریفی نویسندگان : (نده) اشتقاقی ، (ان) تصریفی عملی : تصریفی انجام می دهند :

تصریفی می نویسند : تصریفی

- در فعل مضارع التزامی و فعل امر » » « تصریفی » » « به کار می رود : بخورم ، بروم ، بنویسم . / بخو

بنویس .

در فعل های ماضی استمراری و مضارع اخباری نیز » » « « می » به کار می رود : می رفتم ، می روم .

- سخن سرایان : تصریفی داستان ها : تصریفی ادبی : اشتقاقی سرشناس ترین : تصریفی آزادگان : » » « وند اشتقاقی و

» ان یا » « تصریفی دل انگیزی : اشتقاقی سودمند : اشتقاقی

مصدری

- واژه های مشتق : خریدار ، جلوه گر

واژه های مرکب : گلاب گیر ، جنگ افزار ، نی نامه کم مصرف ، اغراق آمیز ، باریک بین ، اسرار آمیز

واژه های مشتق مرکب : خیرخواهی ، قرآن خوانی ، رنگارنگ ، گوناگون .

خود آزمایی درس بیست و پنجم (مقاله نویسی) صفحه

- مقاله ی « کتاب و کتاب خوانی » استدلالی و پژوهشی است .

مقاله « چنین رفت و ... » علمی ، تحقیقی ، تحلیلی است .

- تکلیف دانش آموزی است .

- ما : ضمیر شخصی جدا / آن : ضمیر اشاره / همه : ضمیر مبهم / آن : ضمیر اشاره

« چه » در جمله چه بخوانند : ضمیر پرسشی است .

خود آزمایی درس بیت و ششم (املا ، گزینش های املایی) صفحه

- لذت : لذیذ ، لذایذ ، التذاذ ،

حزن : محزون ، احزان ، حزین .

فصل : فصول ، انفصال ، منفصل ، فاصله ، مفاصل .

صغر : مصغر ، صغار ، اصغر ، صغیر ، صغری ، تصغیر .

- » » « : رحمت الله علیه » » « : رضی الله عنه .

» . « : قبل از میلاد » ه . ش « : هجری شمسی .

خود آزمایی درس بیست و هفتم (جمله مرکب) صفحه

- چون هوا سرد شده بود ، ماشین روشن نشد .

پیوند وابسته ساز جمله ی وابسته جمله ی هسته

- ما می دانستیم که شما می آید .

جمله ی هسته پیوند وابسته ساز جمله ی وابسته

- مشکل بود که آن ها از رودخانه بگذرند .

جمله ی هسته پیوند وابسته ساز جمله ی وابسته

- عجله کردم که به قطار برسم .

جمله ی هسته پیوند وابسته ساز جمله ی وابسته

- هنگامی که کلید را زدم اتاق کاملاً روشن شد .

پیوند وابسته ساز جمله ی وابسته جمله ی هسته
- آمده ام تا شما را به عروسی دعوت کنم .
جمله ی هسته پیوند وابسته ساز جمله ی وابسته
- چون از تأخیر قطار خبر داشتیم ، عجله نکردیم
پیوند وابسته ساز جمله ی وابسته جمله ی هسته
- او از کاری که کرده است پشیمان خواهد شد
پیوند وابسته ساز جمله هسته
جمله ی وابسته

- اگر درس بخوانی ، در امتحانات موفق خواهی شد .
چون آفتاب در آمد ، بیرون رفتیم .
برق رفت ، خوابیدم
تازه به محله رسیده بودم که صدای ماشین به گوشم رسید .
آدم که شما را با خودم ببرم .
دیروز به کتابخانه رفته بودم برای این که پاسخ سوآلهای درسی را پیدا کنم .
تا از پله ها پایین آمدم ، عمویم را در مقابل در دیدم .
تا درس نخوانی موفق نشوی .
به رودخانه رفته بودیم تا ماهی بگیریم .
به مدرسه رفتم تا او را ببینم .
من که از دانش آموزان این مدرسه هستم ، از مدیر آن رضایت دارم .

-
... / ... یا ... / ...
زیرا » « «یا» « »